

ساماندهی و باز زنده‌سازی مرکز محله در بافت تاریخی به منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی (مطالعه موردی محله سنگ سیاه شیراز)

علیرضا عبدالله زاده فرد

استادیار دانشکده شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیضا، بیضا، ایران

مجتبی شادمانی^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیضا، بیضا، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۱۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۸/۳۰

چکیده

محله‌ها و بافت‌های تاریخی هویت بخش و هویت سازند. این کالبد تاریخی کهن با وجود قابلیت‌های بالقوه و سرمایه‌های گرانقدر، با چالش‌های بسیاری روبروست که عدم پیش بینی تمهیدات لازم، موجب آسیب‌های جبران ناپذیر و اتلاف سرمایه‌های فرهنگی منحصر به فرد می‌شود. محله همیشه و در هر شرایط در ارتباط پویا با اطراف خود بوده، این روند در حال حاضر کم رنگ شده است و ارزش‌های درونی محله، که همان ارتباطات انسانی ناشی از تعاملات فضایی و انسانی در یک مکان خاص بودند، به سمت زوال و نابودی پیش می‌روند. در این پژوهش سعی بر آن شده است که با مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و روش مصاحبه و مشاهده و استفاده از روش توصیفی، تحلیلی و با استفاده از مدل استراتژیک SWOT به شناخت مفهوم مرکز محله پرداخته شود تا با تجزیه و تحلیل وضعیت موجود و شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات و با واکاوی کارکرد نقش مرکز محله در شهرها، راهبردهای طراحی یک مرکز محله فعال و سرزنده را در یک نمونه دارای ارزش‌های تاریخی- فرهنگی ارائه شود. این مقاله به طرح موضوع مرکز محله در محله سنگ سیاه شیراز پرداخته است. دستاورد این تحقیق راهبردهای است که به طور عمده متوجه ارتقا کیفیت‌های بصری، خوانایی، ایمنی و امنیت و مشارکت گروه‌های خلاق، پویایی و سرزندگی محله عرضه می‌شود.

واژگان کلیدی: محله، مرکز محله، ویژگی‌های اجتماعی، محله سنگ سیاه، مدل SWOT

مقدمه

شهر در بستری از تغییر و دگرگونی شکل گرفته است. تغییراتی که در گستره‌های کالبدی، ارتباطی، فرهنگی، جمعیتی، تولیدی و خدماتی همزمان تحقق می‌یابد. در عین حال شهر کارا، شهری است که در عین رشد، توسعه و دگرگونی، کالبد شهر، محلات و عناصر موجود در آن با نیازهای امروزی سازگار گردد. از جمله مسائل چالش برانگیز شهرها برخورد مناسب با میراث ارزشمند گذشته است. بسیاری از شهرها دارای بخش‌هایی هستند که از طریق ایجاد پیوستگی فرهنگی و تاریخی حسی از مکان و هویت را بر می‌انگیزند. این بخش‌ها عموماً جز جدا ناپذیر جاذبه‌ی شهری محسوب می‌شوند و کیفیت بصری و کاربری آن‌ها، عنصر مهمی در منظر و هویت شهرها است.

" در ایران، از ابتدای بنای شهرهای اسلامی و حتی قبل از اسلام، هر قوم و قبیله‌ای تحت شرایط خانوادگی، منافع مشترک و شبکه‌های خویشاوندی خود محله‌ای جداگانه در شهر بنا می‌کردند و در واقع محله به مثابه سلول اصلی شهر سنتی، سکونتگاه قوم، نژاد، مذهب یا فرقه‌ای خاص بود. از سوی دیگر فضاهای عمومی یا فضاهای دنج با امنیت بالا که مصداق آن مرکز محله است، به منظور ایجاد روابط انسانی سالم شکل می‌گرفتند" (سلطان زاده، ۱۳۶۸، ص ۲۵۹)

" در زمان حاضر و با توجه به تغییر محتوای اجتماعی محله و مراکز محلی (فضاهای عمومی)، ناگزیر توده و فضای تشکیل‌دهنده این بافت نیز در جهت تطبیق با تغییرات حاصل شده متحول شده است و به طرق مختلف و با کم اهمیت شدن عرصه‌های عمومی و اجتماعی خودنمایی می‌کند. در این میان جدایی بافت کالبدی از کارکردهای اجتماعی شاخص تراست. بر همین اساس، برخی متفکرین به جهت سروسامان دادن به عدم تعادل ظاهر شده، تمهیداتی اندیشیده‌اند که در قالب الگوهایی ارائه گردیده است؛ ولیکن الگوبرداری مطلق و استفاده منفعل از نتایج تحقیقات غریبان برای جامعه خود، به هیچ وجه به صلاح نیست. زیرا از یک طرف خصوصیات فرهنگی شهروندان ما با آن‌ها تفاوت فاحش دارد، و از طرف دیگر روابط موجود در آن جوامع به ثبات نسبی رسیده است. حال آن که جامعه سیال و پرتلاطم ما وضع دیگری دارد" (اسداللهی، ۱۳۸۰، ص ۳۰)

معانی لغوی محله

محله در محاوره فارسی، یک واحد اجتماعی و محل سکونت اقشاری از مردم است که به ویژه از نظر اجتماعی دارای وجوه مشترک می‌باشند. محل به عنوان جای حلول، فرود و آمدن گاه، جا و مکان و محله جایی برای نمود عینی آن‌هاست.

در فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای محله چنین تعریف شده است: "محدوده‌ای را که ساکنان آن در ارتباط رودر رو با یکدیگر زندگی کرده و در ارزش‌ها و هدف‌های ویژه، مشترک بوده و در علاقه و خواسته‌ها هماهنگی دارند، یک مرکز اجتماعی گویند که محل استقرار شماری از ساختمان‌ها بوده و علاوه بر خانه‌ها دارای تاسیسات عمومی مورد نیاز مانند مدرسه، مرکز خرید، تالار اجتماعات و تاسیساتی برای بهره‌برداری همگانی است.

" (عامری، ۱۳۸۹ ص ۱)

مفهوم و تعریف محله

"به طور کلی، مفهوم محله می‌تواند از ابعاد مختلف اجتماعی، ذهنی، ادراکی، کالبدی و سیاسی تعریف شود. هر یک از ابعاد مختلف، تعاریف خاص خود را از محله ارائه می‌دهند. از سوی دیگر این تعاریف در جوامع و مقاطع زمانی مختلف می‌تواند متفاوت باشد. کوچکترین واحد عملکردی تقسیمات شهری محله است. در این تعریف سلسله مراتب تقسیمات شهری عبارت است از: شهر، حوزه، منطقه، ناحیه و محله. فرض بر این است که محله دربر گیرنده مساحتی از شهر است که در شعاع دسترس یک دبستان قرار داشته باشد (شعاع دسترسی مسافتی است که دانش آموز به صورت پیاده در ۱۵ دقیقه بتواند از خانه تا دبستان طی کند. این فاصله از ۴۰۰ متر تا ۸۰۰ متر متغیر است" (نوذری، ۱۳۸۳ص ۳۸). "هر محله، با شبکه سواره روی دور محله ای، از سایر محلات مجاور جدا و مستقل می‌گردد" (حیبی، ۱۳۸۷، ص ۱۶)

به اعتقاد لینچ^۱ محله، منطقه وسیعی است که به دلیل برخورداری از برخی خصوصیات مشترک و خاص، قابل شناسایی است. محله از نظر اداری با دیوار، راه و مرزهای مشخص، از نظر اجتماعی، با ادراک ساکنین محلی، از نظر عملکردی با حوزه‌های خدمات محلی، از نظر زیست محیطی با خصوصیات ترافیکی کیفیت و امنیتی و از نظر زیبایی، با داشتن ویژگی‌های مشخص یا عمر و سن توسعه تعریف می‌شود. اجزاء تشکیل دهنده سیمای محلات مطابق کوین لینچ گره، مسیر، لبه، نشانه، حوزه می‌باشند. "در گذشته در بسیاری از طرح‌های شهری مفهوم محله در ابعاد کالبدی و جمعیتی جست و جو می‌شد، اما به تدریج با مطالعه محله‌های قدیمی و دقت در ماهیت محله‌های مسکونی، این دیدگاه ایجاد شد که آنچه موجب شکل‌گیری محله‌ها می‌شود، نه صرفاً ابعاد کالبدی و جمعیتی آن‌ها، بلکه موضوعاتی مانند پیوندهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، قومی، اقتصادی یا عوامل از قبیل بستر طبیعی شهر نیز هستند(غروی النخوانساری، ۱۳۸۵ص ۱۸)

کوچکترین واحد عملکردی تقسیمات شهری محله است. محله‌ها را معمولاً به سه طریق تعریف و مشخص می‌کنند: از طریق حد و مرزهای فیزیکی، از طریق هویت و ویژگی‌های خاص و از طریق پیوندهای کارکردی و اقتصادی.

حد و مرزها

محله‌ها را می‌توان از طریق حد و مرزهای مشخص و متمایز تشخیص داد. حد و مرز ممکن است از طریق گسست فیزیکی، مانع یا حاشیه فیزیکی - مثلاً رودخانه یا مسیری شلوغ - مشخص شود یا به طور مصنوعی تعیین شود. تعریف تاریخی نیز می‌تواند در خصلت محله‌ها موثر واقع شود. حد و مرزهای قطعی و روشن محله، می‌تواند در بهبود و ارتقای هویت محله نیز تاثیر مثبت داشته باشد و به ترغیب توسعه و گسترش عملکردهای کارکردی، اقتصادی و اجتماعی در منطقه منجر شود.

جین جاکوبز^۲ در بحث پیرامون محله‌های خیابانی، چنین استدلال می‌کند که بخش عمده‌ای از توفیق محله‌ها، به تداخل و در هم تنیدگی فعالیت آن‌ها بستگی دارد. به همین خاطر، تعیین دقیق و بی‌چون و چرای محدوده محله‌ها

^۱ Lynch

^۲ Jacobs

چندان سودمند نیست، زیرا در هر جا که گستره‌ها دارای بهترین عملکردند، نه نقطه شروعی دارند و نه نقطه پایانی که آن‌ها را به عنوان واحدهایی مجزا از هم جدا کنند.

خصلت و هویت

لینچ در رده بندی خود از عناصر تشکیل دهنده شهر، مناطق را این گونه تعریف می‌کند: بخش‌های متوسط تا بزرگ شهر، با گستره‌ای دو بعدی هستند، که مشاهده کننده از نظر روانی درون آن وارد می‌شود و می‌توان آن‌ها را به واسطه‌ی برخورداری از خصلت و ویژگی‌های مشترک و تعیین کننده تشخیص داد. خصلت و ویژگی‌های مشترک متضمن ابعاد کارکردی و فیزیکی است.

پیوندهای کارکرد و اقتصادی

"ویژگی یک محله می‌تواند ناشی از درآمیختگی فعالیت‌هایی باشد که پیوستگی زیادی با هم دارند و هر یک از لحاظ اقتصادی به دیگری وابسته هستند. بسیاری از محله‌ها نیز مراکز پوشاک و صنایع منسوجات بوده اند و اغلب در اینگونه مناطق نوعی یکپارچگی و نیز تقسیم کار میان شرکت‌های وابسته به صنایع یاد شده به چشم می‌خورد. با این حال، نیاز به توازن میان کاربری‌های خاص برای هویت بخشی و ایجاد منابع اقتصادی یکپارچه و طیفی از کاربری‌هایی که به محله سرزندگی می‌بخشد، احساس می‌شود." (تیزدل، ۱۳۸۸، ص ۲۷). "محله‌های شهری یکی از کانون‌های خرد و ملموس شکل‌گیری هویت‌های فرهنگی و تعلق اجتماعی هستند. فضاهای عمومی به واسطه مقیاس عملکردی و همچنین طیف متنوع و گسترده مخاطبان خود دارای بیشترین سهم در حیات جمعی و تعامل و تقابل اجتماعی ساکنان می‌باشند. همه افراد ساکن در محله باید امکان حضور در فضای عمومی را داشته و بتوانند نیازهای خود را در محدوده همسایگی خود برآورده سازند. عدم حضور گروه‌های مختلف جامعه، فضاهای عمومی را تبدیل به شریان‌هایی برای حرکت سریع خودروها کرده و از پویایی و سرزندگی فضا و شهروندان خواهد کاست. بنابراین طراحی مناسب می‌تواند مشارکت اجتماعی، هماهنگی با محیط، ایمنی و آسایش را ارتقا بخشد." (مرتضوی، ۱۳۷۶، ص ۲۵). "هویت محله‌ای می‌تواند به عنوان زمینه‌ای عملی و در دسترس برای مشارکت مدنی شهروندان مورد توجه مدیریت (سیاست گذاری، برنامه‌ریزی، نظارت و اجرا) شهری قرار گیرد و به همین عنوان نیز معرفی و تبلیغ شود، چرا که محله را می‌توان پس از خانوار کوچکترین واحد مدنی محسوب کرد." (عندلیب، ۱۳۸۳، ص ۳۶۳)

مرکز محله

مرکز محله اغلب در مرکز فیزیکی قرار گرفته و حتی در برخی از محلات از جمله در چهارباغ سنندج یا محله نوآباد نایین در گوشه‌ای از محله قرار گرفته است. به نظر می‌رسد که شکل‌گیری مرکز محله در واقع پیش از آن که تحت تاثیر موضوع دسترسی نقاط مختلف محله به آن قرار گرفته باشد از عوامل دیگری مانند موقعیت‌های خاص، توسعه تدریجی محله و نزدیکی به راه‌های اصلی محله‌ای متاثر بوده است. اغلب مراکز محلات یا در طول گذر اصلی یا در محل تقاطع گذر اصلی و سایر معابر واقع شده‌اند. مراکز محلات یا به صورت میدانچه درآمده‌اند یا به صورت محوری در طول گذر اصلی شکل گرفته‌اند. عناصر مرکز محلات شامل بازارچه، مسجد، حسینیه، حمام و سقاخانه بوده است.

نیم قرن پیش لوئیس مامفورد^۱ به دفاع از نظریه "برنامه‌ریزی از طریق محله‌ها" پرداخت. استنباط او این بود که محله یک واقعیت اجتماعی است که "هرکجا انسان‌ها گرد هم جمع شوند ایجاد می‌شود." همچنین "ایجاد هسته‌ای مرکزی برای جذب جمعیت و مرزی بیرونی برای ایجاد حس تعلق به یکدیگر" اهمیت زیادی داشت. این هسته شهری خواه یک مدرسه دولتی باشد یا یک میدان و یا یک پارک، تعریف کننده قلب محله و به وجود آورنده مرکزی برای تعاملات اجتماعی و ارتباطات شهری بود. "کوچکترین مقیاس طراحی شهری، مقیاس پروژه‌های کوچک رد حد یک بلوک شهری، میدان و یا بخشی از یک محور ارتباطی است." (بحرینی، ۱۳۹۱، ص ۳۳)

مراکز محله محل تجمع آن دسته از فعالیت‌های تجاری و خدماتی است که به طور روزانه یا حداقل هفتگی مورد استفاده ساکنین یک محله قرار می‌گیرد. "مرکز محله تمرکز جامعه‌ای کوچک و منسجم است که تماس‌های اجتماعی بین ساکنین و ایجاد حس شهری و محله‌ای را ترغیب می‌نماید. گرچه از ارزش و اهمیت این مراکز روز به روز در کشورهای پیشرفته کاسته می‌شود ولی در جوامع سنتی هنوز با کمال قدرت کار می‌کند. این فکر نه تنها بر اثر ملاحظات سهولت دسترسی پیاده، بلکه مهمتر از آن به دلیل ایده ال بودن جنبه‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است." (لینچ، ۱۳۸۱، ص ۳۵۶)

خصوصیات مرکز محله

انواع مرکز محله را از نظر شکل آن‌ها می‌توان به دو نوع تقسیم نمود. نخست مراکز خطی یعنی مراکزی که در امتداد گذرها و به صورت بازارچه شکل گرفته‌اند و از تعدادی مغازه تشکیل شده‌اند، که همراه با مسجد و دیگر فضاهای عمومی در امتداد معابر اصلی و بیشتر در محل تقاطع چند گذر مهم واقع شده‌اند. نوع دوم مرکز محله به صورت میدانچه‌ای است، که در محل تقاطع گذرهای اصلی یا در کنار مهمترین معبر هر محله شکل می‌گرفته است و بناهای عمومی و فضاهای تجاری در پیرامون آن احداث می‌شده است.

کارکردهای مرکز محله‌های سنتی

یکی از کارکردهای هر مرکز که کمابیش در عموم مراکز محله‌ها قابل مشاهده است، کارکرد ارتباطی مرکز محله است. به این ترتیب که هر مرکز محله اغلب در نقطه‌ای شکل می‌گرفت که از نظر دسترسی دارای بهترین موقعیت ممکن نسبت به نقاط گوناگون محله باشد. زیرا محل استقرار فضاها و عناصر خدماتی متعلق به محله بود. انواع و خصوصیات عناصر و فضاهای مزبور تحت تاثیر عوامل متعددی از جمله خصوصیات اقلیمی، جغرافیایی و توان اقتصادی ساکنان شهر شکل می‌گرفته است. یکی از نخستین فضاهایی که در بسیاری از مراکز محله شکل می‌گرفت، فضایی برای تجمع اهالی و انجام مراسم و آیین‌های معمول و مذهبی بوده است. این فضا اغلب عبارت از فضایی مذهبی مانند آتشکده (در ایران پیش از اسلام) مسجد، حسینیه، تکیه، سقاخانه و گاه به ندرت مزار و مانند آن بوده است. فضاها و عناصر خدماتی مانند حمام، آب انبار و فضاهای تجاری نیز از مهمترین فضاهایی هستند که در بسیاری از مراکز محله‌ها شکل می‌گرفته‌اند.

¹ Mom ford

مفهوم محله در شهر سنتی ایران

شهرهای سنتی ایران (پیش از ۱۳۰۰ ه. ش) در عین هماهنگی و تطابق کامل با طبیعت و با وجود پیوندهای قوی اجتماعی و فرهنگی در بین مردم و بهره‌گیری از شرایط مساعد طبیعی شکل گرفتند. این عوامل بر اساس شرایط محیط، ضمن آن که در تعدد و پراکندگی مراکز زیستی مهم اتساق افتاده، اساس و شرایط اقتصادی-اجتماعی جمعیت را نیز دامن زده است. از نظر اجتماعی و فرهنگی، ارتباط اجتماعی در یک فضای همسایگی (محله) از ملزومات زندگی شهری بوده است. ارتباط خانواده‌ها با یکدیگر، بازی کودکان با هم، روابط مردم محله، مکان‌های متعدد اجتماع و برگزاری مراسم مختلف در شهرها نشان‌دهنده روابط صمیمی و اجتماعی مردم با یکدیگر بوده است.

"شالوده شهر ایرانی در چهار عامل اصلی قابل شناسایی بوده و عبارت است از: فضای مسکونی (محله)، فضای اقتصادی (بازار و بازارچه)، فضای تاسیساتی (آب انبار، گرمابه، مسیرهای آب، فضاهای باز...) و فضای مربوط به شبکه راه‌ها. در شهرهای ایران مهم ترین عامل در برقراری حیات شهری، فضای اجتماعی فرهنگی است که ارتباط مردم را در شهرها و محلات برقرار می‌کند؛ بنابراین مهم ترین عاملی که می‌بایست از شهرسازی سنتی ایران الگو برداری شود بسط و انسجام محیط اجتماعی و فرهنگی و روابط محله‌ای است" (شیعه ۱۳۸۰ ص ۳۵)

در شهرهای سنتی ایران مناطق مسکونی از محله‌ها تشکیل شده بود که گاهی با دیوار و دروازه محصور شده و دارای بازارهای محلی کوچک و گاهی کارگاه‌های خود بوده است. محله‌ها موجودیت‌های جغرافیایی و همین‌طور جوامع یکدست و یکپارچه‌ای بودند که اعضای آن به شدت در هم تنیده و واحدهای پایه جامعه را تشکیل می‌دادند. اتحادی که بین گروه کوچکی از مردم در هر محله وجود داشت منطبق بود بر هویت خانواده‌ها، ریش سفیدی، مبدا مشترک روستایی، قومی یا مذهبی. گاهی نیز شغل مشترک به آن اتحاد می‌بخشید. هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد یکدست بودن طبقات اجتماعی پایه اتحاد را شکل می‌داده زیرا در هر محله فقیر و غنی در کنار هم وجود داشتند. این محله‌های روستا گونه درون شهر از نهادهایی که آن‌ها را به هم مربوط کند بهره‌مند نبوده و گاهی به شدت با هم خصومت و درگیری داشتند.

"فضای شهری در محله را کاهش می‌داده است. مسجد و بازار محل حضور مستمر مردم محله بوده است. این‌ها عملاً فضاهای انحصاری بودند که پیوند اجتماعی فضایی محله را تقویت و بنابراین نقش لایه‌ای دیگر در طیف عمومی - خصوصی در فضاهای شهری بازی می‌کردند." (مدنی پور ۱۳۸۷ ص ۴۶)

اعتبار و اهمیت فضاهای فرهنگی و حضور آن به عنوان یک عامل مهم در سازمان فضایی محلات و نواحی مسکونی اصلی انکار ناپذیر است. اصلی که در سازمان بندی فضای اجتماعی محلات مسکونی ایران نیز وجود دارد، یک فرهنگ قوی را در پشتوانه خود معرفی می‌کند. این بدان معنی است که در طرح فضای محله‌ای، انسان و خصوصیت انسانی، مودت، توجه به حریم خانواده، محرمیت‌ها، تعاون و همکاری ارتباط اجتماعی و فرهنگی، اعتقاد و عقیده اثر گذارده است.

"شرایط اجتماعی مردم در طرح فضاهای محله‌ای به مثابه یک مکتب است. مکتبی که به محلات جان می‌دهد و دیگر فضاها مانند فضاهای اقتصادی و معیشتی را به تبعیت از خود وا می‌دارد. اقتصاد محور همه چیز نبوده بلکه اقتصاد نیز خود تابعی از شرایط اجتماعی و فرهنگی می‌شود." (شیعه ۱۳۸۰ ص ۴۷)

روند زندگی در محلات مسکونی ایران دارای روح و حیات است. در حقیقت، فرهنگ و خصوصیت روانی جمعیت عاملی موثر در طراحی محیط مصنوع است. محیط مصنوع الگوی خود را از شرایط فرهنگی می‌گیرد. محله بندی‌ها، توسعه و طراحی معابر، فضاهای محله‌ای و بین محله‌ای و تاسیسات اجتماعی و اقتصادی محله، علاوه بر شرایط طبیعی و معیشتی، بر اساس اعتقادات و سنت‌ها، فرهنگ‌ها و قومیت‌ها نیز استوار شده است. مردم محله‌ها یا جز محله‌ها دوستان صمیمی‌اند که در یک محیط جمعی به هم پیوند می‌خورند. توسعه معابر و راه‌ها از سلسله مراتب اجتماعی نشأت می‌گیرد. خانه‌ها فقط یک سر پناه نبوده و خوابگاهی عمل نمی‌کنند. انعکاسی از فلسفه زندگی و حیات در مسکن نمایان است. ورودی خانه‌ها در نقطه‌ای به هم پیوند می‌خورد. اولین فضای اجتماعی محله از تلاقی این درها آغاز می‌شود. سپس به یک فضای نیمه خصوصی دیگر (کوچه بن بست) می‌رسد که خود محل تلاقی واحدهای کوچکتر است. در مسیر راه‌ها ساختمان‌های کوچک و بزرگ و با حجم‌های متفاوت و رنگ‌هایی هماهنگ با محیط، طراحی محیط را متنوع می‌کند، طبیعت در داخل محلات است.

محله در نظام شهر سنتی ایران، تنها یک کالبد فیزیکی نیست بلکه تعاریف غیر فیزیکی و معنوی آن بسیار حائز اهمیت است. سوی این مساله، در بسیاری از محلات قدیمی، ساکنان هر محله با یکدیگر انواع و اقسام قرابت‌های ممکن را دارند و این نزدیکی‌ها مانند خویشاوندی، هم طایفگی، هم شغلی بسیار است. همچنین اهمیت مسائل تعیین کننده‌ای مانند نظام مالکیت و وقف نظام دفاعی، روش‌های معیشت و نظام اقتصادی، روش‌های بهره برداری و تقسیم آب و مسائلی از این دست را در شکل دهی و تعریف کالبد یک محله و یک شهر نمی‌توان نادیده گرفت.

به طور کلی پس از بررسی تحقیقات صورت گرفته از محلات سنتی ایران می‌توان ویژگی‌های زیر را برای آن برشمرد:

- تطابق و هماهنگی کامل با طبیعت (وجود بافت ارگانیک، درون گرایی، جهت‌گیری و مکان‌یابی عناصر شهری نسبت به عناصر طبیعی نشان‌دهنده این اصل‌اند).
- تاثیر نقش پررنگ مذهب، فرهنگ و آداب و رسوم بر فضاهای خصوصی و عمومی (جهت‌گیری فضاها به سمت قبله، وجود مسجد به عنوان مرکز اجتماعی اصلی، توجه به اصل حریمیت و اشراف در ساختار بناها، نظام سلسله مراتبی فضایی بر گرفته از خانواده، همسایگان، کوچه، کوی، محله و شهر، نقش عوامل فرهنگی-اجتماعی در کل و جز فضاها)
- یکپارچگی و درهم تنیدگی فضاهای محله و ایجاد یک کل به عنوان واحد پایه جامعه
- حس تعلق شدید ساکنین به محله خود (تمایز بودن کامل محلات با توجه به ساختار و ویژگی‌های قومی، محلی و طبیعی و وجود عناصر شاخص محلی)
- وجود اشتراکات حسی فراوان مابین ساکنین محله (هم طایفگی، هم شغلی، خویشاوندی و غیره) و ارتباطات نزدیک مشارکتی به دلایل مختلف (روش‌های بهره برداری از منابع و تقسیم آب و غیره)

- فضاهای چند عملکردی و تلفیق کار و زندگی در فضای محله
- خود اتکایی کامل محلات
- بومی و محلی بودن کلیه عناصر از کل تا جز
- سادگی فضا و حضور حداقل توده (زندگی بافضا و در فضا که نتیجه آن ارتباط بیشتر ساکنین با یکدیگر است (شبعه، ۱۳۸۰ص ۶۳).

از ویژگی‌های قابل توجه شهرهای سنتی ایران، تشکیل شهر از محلات مختلف و اکثراً با اندازه و فرم‌های متفاوت است. مقیاس انسانی و موقعیت محله در شهر، دو عامل مهم در شکل دهی به آن به شمار می‌روند. مقیاسی که معیار دسترسی پیاده به مرکز محله و شهر است. این مقیاس انسانی کمک می‌کند که ساکنین بتوانند از طریق راه‌های پیاده، احتیاجات خدماتی خود را برطرف کنند و در فضاهای ارتباطی و جمعی، امکان بروز فعالیت‌های اجتماعی و برقراری تعامل به وجود آورند.

"اصل محصور کردن فضا یا محصوریت: برای دستیابی به یک مکان شهری جذاب، فضا باید به شکل مطلوبی محصور شود. عناصر شهری، محله‌ای و یا واحدهای مسکونی بطور معمول عناصر محصور کننده فضا می‌باشند. بر اساس این اصل، انسان مهم ترین رکن فضا محسوب می‌شود و فضا باید مقیاسی انسانی یابد. این اصل هنگامی نمود می‌یابد که فضای بین ساختمان‌ها احساس انسانی را برانگیزد. محصور بودن فضایی با پیوستگی بدنه محصور کننده فضا ارتباط دارد، بدین مفهوم که وجود فواصل متعدد بین بدنه‌های ساختمان‌ها و اختلاف فاحش بین نماها موجب تضعیف فضای محصور می‌گردد." (فراهانی ۱۳۸۹ص ۴۲)

جایگاه محله در نظام شهرسازی معاصر

در طول تاریخ، محلات به صورت ارگانیک و بر اساس نیاز ساکنان و شرایط زمان شکل گرفته اند، لیکن به کارگیری واحد محله به عنوان وسیله برنامه‌ریزی شهری و به منظور فائق آمدن بر پاره‌ای از مشکلات محیط شهرهای مدرن، مختص قرن بیستم میلادی است.

محله کوچکترین واحد تقسیمات کشوری است که داری هویت، همبستگی و شعاع عملکردی انسانی و خدمات تعریف شده است. در این بعد خدمات اولیه شامل خرید روزانه، پارک محلی، دبستان و راهنمایی، زمین بازی کودکان و جمع آوری زباله، نظارت مستقیم و مشارکت عملی شهروندان در نگهداری، حفظ و نظارت بر محیط میسر می‌گردد. بنابراین مبنای اولیه تقسیمات شهری با توجه به بافت‌های همگن کالبدی، اجتماعی و اقتصادی محلات شکل می‌گیرد که دارای محدوده‌های فیزیکی مشخص و ارتباط پیاده مردم با محیط اطراف خود است.

"محله در ارتباط با ستون فقرات شهر (بازار) و در یک جدایی گزینی قومی، نژادی، اجتماعی و غیره شکل گرفته است که علت وجودی خود را در احساس نیاز به ارتباط با مفاهیم دیگر مانند اقتصاد، اجتماع و فرهنگ جستجو می‌کند." (عامری ۱۳۸۹ص ۲۳)

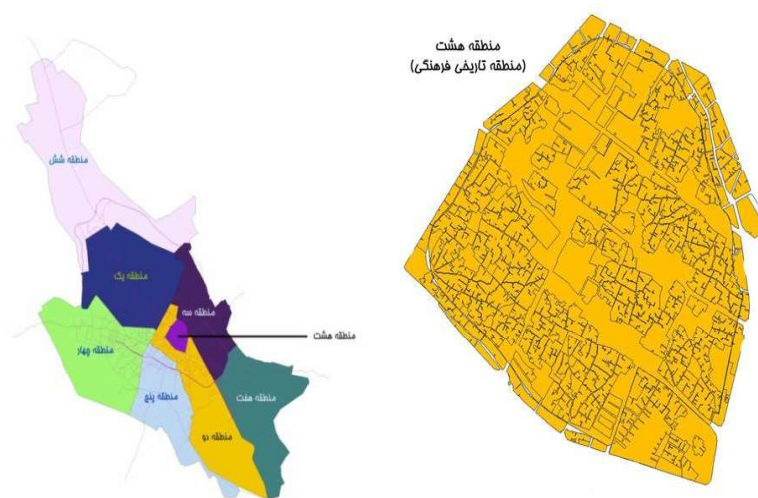
در واقع یک محله مسکونی خوب باید دارای شرایط زیر باشد:

- جدا از شهر نباشد.
- نیازمندی‌های روزمره جمعیت به نسبت سطح مورد نیاز در دسترس قرار داشته باشد.

- از امنیت کامل برخوردار بوده و ارتباط اجتماعی سالم میان افراد برقرار باشد.
- ضمن در بر داشتن راه‌های مناسب، از شبکه‌های حمل و نقل و وسایل گذری مصون باشد.
- تراکم مسکونی در آن در حد متعارف باشد و قطعه بندی زمین به نحو مطلوبی صورت گرفته باشد.
- برنامه‌ریزی و طراحی آن به نحوی باشد که بالاترین قابلیت انعطاف را در برابر اتفاقات احتمالی طبیعی داشته باشد" (عامری ۱۳۸۹ ص ۳۵).

نمونه موردی: محله سنگ سیاه شیراز منطقه ۸

شهر شیراز در حال حاضر دارای ۹ منطقه تاریخی است که محدوده مورد مطالعه در منطقه ۸ قرار دارد. منطقه تاریخی فرهنگی ۸ شیراز مهمترین و با ارزش ترین منطقه شهر شیراز است.



نقشه مناطق شهرداری شهر شیراز و موقعیت بافت قدیم

منبع: <http://www.eshiraz.ir/newsazi/fa/mantaghe>

نام این محله از نام دانشمند بزرگ «عمر بن عثمان»، ابوالبشر، معروف به «سیبویه» (متوفی سال ۱۰۸۰ یا ۱۰۹۴ هـ ق) گرفته شده است. قبر این نحوی بزرگ در محله و در یک حجره‌ی کوچک و متروک به وضعی نامطلوب قرار گرفته بود و بر روی قبر وی سنگی سیاه قرار داشت. در ابتدا نام این محله، سنگ سیبویه بوده یعنی محله‌ای که سنگ و قبر وی در آن قرار داشت. ولی به مرور زمان در اثر اشتباه عوام و وجود سنگ سیاه بر روی قبر، به نام «سنگ سیاه» مشهور شده است. منطقه تاریخی شهر شیراز محدوده‌ای است در قلب شهر که هنوز هم مرکز آن به شمار می‌آید. فرسودگی و ناکارایی صدمات جدی به ارزش‌های تاریخی و شهرسازی آن وارد آورده و این بافت کهن بسیار پر ارزش را به منطقه‌ای نه چندان مطلوب مبدل کرده است. قرارگیری بافت قدیم در مرکز شهر شیراز و ارزش زمین‌های تجاری و بی توجهی در حفظ و احیا بافت‌های فرسوده باعث شتاب در فرسودگی این بخش از شهر شده است. به همین منظور فضایی در محله تاریخی شهر در منطقه ۸ و در محله سنگ سیاه برای ایجاد یک مرکز محله در نظر گرفته شده که به کمک امکانات موجود در آن و حضور بناها و مجموعه‌های با ارزش، برای بهبود وضعیت محله و قسمتی از بافت قدیم شیراز تلاش خواهد شد. محدوده انتخاب شده از قدیمی‌ترین قسمت‌های بافت قدیم شهر شیراز می‌باشد. از بقاع و امکان قدیمی در این محله بقعه سید حاجی غریب

(سیدتاج‌الدین غریب) و مسجد سیاه و شان، مسجد علی، مسجد و حسینیه کردها، قبرسیبویه، مسجد و حسینیه مشیر است. محور سنگ سیاه به دلیل استقرار بیش از ۳۰ عنصر با ارزش تاریخی - فرهنگی و پیوند دو محله پرجمعیت از اهمیت زیادی برخوردار است. این محور با انشعابات آن حدود ۱۵۰۰ متر طول دارد. اولین عنصری که در ابتدای محور قرار دارد مسجد ابوالفضل است که هر هفته بر اساس اعتقادات دینی پذیرای هزاران مشتاق زیارت این محل می‌باشد. در این محله قدیمی با کوچه‌های تنگ و باریک، همچنان زندگی جریان دارد و عمر برخی از خانه‌های آن به ۱۰۰ سال می‌رسد.



امامزاده زین العابدین بقعه بی بی دختران مسجد مشیر

به طور کلی علت انتخاب سایت در موارد زیر خلاصه شده است:

- وجود بناهای با ارزش همچون بقعه بی بی دختران، حمام خانی، مسجد و حسینیه و آب انبار مشیر، بازار و کلیسای آرامنه، بازارچه حاج زینل در این پهنه
- تخریب برخی بناها و فرسودگی کالبد بافت
- پنهان شدن ارزش‌های تاریخی در ازدحام فضاهای ناهم خوان
- نیاز به تغییر کاربری برخی از بناها به دلیل تبدیل آن به کاربری‌های نازل اجتماعی
- قرارگیری محله در نزدیکی خیابان اصلی مجاور شاهچراغ که به همراه جذابیت‌های موجود در سایت، پتانسیل آوردن توریست را به درون بافت ایجاد می‌کند.

"محله همیشه و در هر شرایط در ارتباط پویا با اطراف خود بوده که این روند در عصر حاضر کم رنگ شده است و ارزش‌های درونی محله، که همان ارتباطات انسانی ناشی از تعاملات فضایی و انسانی در یک مکان خاص بودند، به سمت زوال و نابودی پیش می‌روند" (قنواتی، ۱۳۹۰، ۱۵)

یکی از معضلات منطقه که به تبع خود مسایل و مشکلات فرهنگی، اقتصادی، کالبدی را به همراه داشته است وجود نقاط جرم خیز در سطح منطقه و وجود نا امنی در بافت می‌باشد. با توجه به اینکه ساکنان بومی و اصلی بافت به دلایل بیان شده در حال ترک منطقه می‌باشد. این منطقه به محل اسکان افراد غیر بومی و مهاجران تبدیل شده است و ساکنان این بافت‌ها عموماً افراد فقیری با الگوهای فرهنگی خاص هستند که به دلیل مساعد بودن شرایط زمینه رشد آسیب‌های اجتماعی را به همراه داشته‌اند. این امر و بخصوص مسئله توزیع مواد مخدر در بعضی از محلات

بافت منطقه باعث شده است که ضریب امنیت اجتماعی در همان محله و محلات اطراف کاهش یافته که علاوه بر مشکلات اجتماعی، از جمله نا امنی باعث پایین آمدن ارزش اقتصادی زمین و فضاهای کالبدی نیز شده است. اجرای این پروژه باعث افزایش ضریب امنیت اجتماعی در منطقه، کاهش آسیب‌های اجتماعی در منطقه، احساس آلودگی خاطر ساکنان و افزایش تمایل گردشگران و زائرین برای بازدید از بافت می‌گردد.

در راستای رونق بخشی به فعالیت‌های اقتصادی در منطقه، و همچنین سهولت دسترسی به خدمات و افزایش تعلق خاطر و دلبستگی‌های محیطی به آن ایجاد مراکز خدمات محله‌ای و ناحیه‌ای پیشنهاد شده است. در این راستا سعی شده است تا با عنایت به فشردگی و ریزدانی بافت، سهولت دسترسی به عنوان یک اصل مورد توجه قرار گرفته و در نتیجه تاکید ویژه‌ای بر تعدد و توزیع متعادل این مراکز در بین محلات منطقه منطبق بر مراکز محلات سنتی و در عین حال با تاکید بر کوچک اما تعدد بخشی آن‌ها شده است، لذا با کوچک کردن فضای این مراکز و افزایش تعدد آن‌ها در نواحی مختلف منطقه سعی شده است تا خدمات رسانی یکسانی در سطح منطقه صورت پذیرد، اقدام دیگری که در این راستا صورت گرفته است، تلاش برای تخصیص اراضی خالی با زمین‌های بزرگ مقیاس به ایجاد این کاربری‌ها در راستای کاهش تعداد معارضین و سهولت تغییر کاربری این اراضی با تاکید بر مرکزیت مکانی نسبی آن‌ها بوده است. کاربری‌های پیشنهادی این کانون‌ها به شرح زیر است:

- ۱- فضای سبز باز و فراغتی ۲- خدمات آموزشی ۳- خدمات درمانی - بهداشتی ۴- خدمات ورزشی (مهندسیین مشاور پردازاز؛ ۱۳۸۳، ص ۱۰۵)

روش تحقیق

"مدل SWOT ابزار برنامه‌ریزی و استراتژیکی است که در اغلب موارد در رویکرد برنامه‌ریزی مشارکتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. منطق رویکرد مذکور این است که راهبرد اثربخش از طرفی باید قوت‌ها و فرصت‌های سیستم را به حداکثر برساند و از سوی دیگر ضعف‌ها و تهدیدها را به حداقل کاهش دهد (حکمت نیا، ۱۳۸۵، ص ۲۹۳)"

نتایج حاصله از بررسی مسائل و مشکلات، جداول SWOT گزینه‌های ارائه شده، نظرخواهی‌ها و جمع بندی نهایی اهداف عملکردی مرتبط با ساختار کالبدی-فضایی، برای منطقه تعیین شده و متناسب با اهداف عملکردی راهبردهای مناسب پیشنهاد می‌شود.

جدول تحلیل و سنجش وضع موجود به روش SWOT

تهدید	فرصت	ضعف	قوت	نظام‌ها
توسعه تعریف‌های معابر بافت تاریخی به علت ورود اتومبیل به بافت و ازدست رفتن سیمای ارگانیک بافت	فرصت استقرار کاربریها و فعالیتهای متنوع به دلیل تنوع اندازه قطعات در بافت	عدم تناسب برخی از مصالح مصرفی با شرایط بافت تاریخی	وجود بناهای تاریخی و مسکونی با قدمت بالای ۱۰۰ سال	فرم کالبدی
تمرکز کاربریهای جاذب سفرهای زیارتی و خریدوگرایش به جذب ترافیک داخلی به منطقه	امکان ایجاد مسیر پیاده گردشگری درون بافت	عدم سرویس دهی مناسب به وسیله ماشین به کوچه‌های باریک و از بسین رفتن اسایش در کوچه‌های ماشین رو	نفوذ پذیری مطلوب پیاده به بافت	حرکت و دسترسی
دخل و تصرف در جداره‌های تاریخی جهت نصب تأسیسات شهری	امکان ایجاد سیستمهای دفع آبهای سطحی از درون معابر	عدم وجود سیستم دفع آبهای سطحی در بافت	وجود تأسیسات شهری چون شبکه گاز، برق، مخابرات و آب	تأسیسات شهری
تخریب ابنیه و تبدیل شدن زمین	فرصت بهره گیری از بناهای	تبدیل بیشتر بناهای بافت به اماکن	وجود فرهنگسرای سیبویه	کاربری و فعالیت

آن به پارکینگ	قدیمی جهت کاربریهای مرتبط با گردشگری	مذهبی
روشنایی ضعیف عرصه‌های همگانی در شب و تجمع افراد لایالی	فرصت سرزنده سازی فضاهای همگانی محدوده با استفاده از پتانسیل گردشگری قوی ناحیه	عدم امنیت فضاهای عمومی در شب هنگام
تمرکز کاربریهای جاذب سفرهای زیارتی و خریدوگرایش به جذب ترافیک داخلی به منطقه	امکان ایجاد مسیر پیاده گردشگری درون بافت	ترافیک سواره مربوط به حمل و نقل بازار چه میوه در دروازه کازرون
عدم پایداری کالبدی برخی قسمتهای بافت در صورت بروز سوانح طبیعی	امکان ایجاد تمهیداتی جهت حذف زباله از محور	عدم وجود سیستم مناسب جمع آوری زباله و تخلیه زباله در معابر ازفضاهای عمومی

منبع: یافته‌های پژوهش

هدف: رفع هجران زدگی و جداماندگی و ادغام منطقه تاریخی فرهنگی

راهبردها:

- افزایش تعامل و تبادل با مناطق همجوار و کل شهر و ایجاد پیوند سازگار با مناطق پیرامونی و شهر
- بهبود و ارتقا کیفیت ارتباط و دسترسی منطقه تاریخی با محدوده مرکزی و کل شهر
- تقویت و ارتقا فعالیت‌ها و عملکردهای منطقه تاریخی فرهنگی و پالایش عملکردی منطقه با توجه به چشم اندازها و اهداف طرح ساختاری-راهبردی شهر
- تقویت تاسیسات و خدمات زیربنایی منطقه تاریخی در جهت ایفای عملکرد و نقش‌های مورد انتظار

هدف: احیا، مرمت، تجهیز و تقویت ستون فقرات و استخوانبندی اصلی

راهبرد:

- عملکرد بخشی آثار و مجموعه‌های واقع در ستون فقرات منطقه در جهت تحقق چشم انداز و اهداف شهر مقیاس
- احیا، باززنده‌سازی و معاصرسازی آثار و مجموعه‌های تاریخی در ستون فقرات
- باز تعریف ساختار و استخوان بندی اصلی منطقه تاریخی فرهنگی و تلاش در توسعه ساختارمند، هم آهنگ و منسجم آن با توجه به گرایش‌های موجود
- احیا باززنده‌سازی و معاصرسازی محورها و شریان‌های اصلی منطقه با هدف رونق بخشی و تداوم زندگی و فعالیت در آنها

هدف: بهره‌گیری از موقعیت و استعدادها و ویژه تاریخی در جهت تحقق چشم اندازها و اهداف کلی طرح

ساختاری-راهبردی شهر

راهبردها:

- توسعه، تقویت و تجهیز زیرساخت‌های توریسم و گردشگری در منطقه با هدف جلب، مرمت و جذب گردشگران داخلی و خارجی

- احیا و تزریق عملکردهای جدید به عناصر آثار تاریخی ارزشمند بافت تاریخی با هدف بهره‌ورسازی و استفاده در جهت تحقق اهداف توسعه شهر و منطقه تاریخی
 - ظرفیت‌سازی جذب عملکردها و خدمات برتر متناسب با نقش ویژه منطقه تاریخی (فرهنگی و مذهبی، تجاری ویژه، گردشگری و خدماتی)
 - گسترش فضاهای سبز و باز در پهنه منطقه با هدف گسترش گردشگری در منطقه
 - ساماندهی و ساختار بخشی کارکردهای تجاری منطقه متناسب با نقش و عملکرد ویژه آن
- هدف:** بسترسازی زندگی و سکونت رفاه‌مند به ویژه در عمق بافت منطقه تاریخی

راهبردها:

- بسترسازی نوسازی و بازسازی پهنه‌های خاص در منطقه تاریخی با هدف الگوسازی و حرکت‌های الگویی در عمق منطقه تاریخی
- ترغیب، گسترش و هدایت نوسازی و بازسازی در عمق منطقه تاریخی در پهنه‌های ویژه متناسب با روحیه و شرایط بافت
- تدارک زمینه‌های حقوقی-قانونی لازم با هدف رفع موانع و جلب حمایت از اقدامات نوسازی و بازسازی در پهنه‌های ویژه عمق بافت منطقه تاریخی
- بسترسازی و ترغیب و تشویق بهسازی، احیا و مرمت در منطقه تاریخی و به ویژه در پهنه‌های درونی بافت
- ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی بافت مسکونی منطقه تاریخی
- تزریق خدمات زیستی و ارتقا خدمات موجود در عمق بافت
- بهسازی و بازسازی خدمات زیربنایی بافت و ارتقا سطح تاسیسات و زیر ساخت‌ها در سطح منطقه تاریخی
- تدارک دسترسی به عمق بافت منطقه تاریخی
- تدارک فضای سبز و باز در عمق بافت منطقه تاریخی

شناخت بافت اجتماعی و نیازها بر اساس روش مشاهده و مصاحبه

فرایند بررسی و مشاهده محله سنگ سیاه در ساعات مختلف روز و همچنین روزهای هفته و ایام تعطیلات صورت گرفت، که نتیجه این مشاهدات تاثیر به‌سزایی بر درک صحیح نسبت به بافت اجتماعی و نحوه تعاملات اجتماعی گذاشت. همچنین ساختار فضایی محله، قرارگاه‌های رفتاری و نحوه فعالیت ساکنین مورد بررسی قرار گرفت.

روش مشاهده و برقراری ارتباط تنگاتنگ با فضای محله و بررسی نحوه تعاملات اجتماعی، مراکز تجمع، نحوه و کیفیت فضاهای دسترسی، عملکردهای گوناگون و شناخت ساکنین تاثیر به‌سزایی بر ایده‌های طراحی و برنامه‌ریزی برای طراح دارد. گرچه این روش تا میزان زیادی کیفی می‌باشد، اما در پی دستیابی به معانی زندگی انسان‌ها است. با به‌کارگیری روش مشاهده، پژوهشگر این توانایی را به دست می‌آورد تا ساختار فرهنگی را از درون آن بنگرد و بدین وسیله، به درکی نزدیک درک بومیان از زمینه فرهنگی شان دست یابد. برای درک یک فرهنگ باید دید که عاملان آن فرهنگ چگونه آن را می‌بینند، به قواعد آن رفتار می‌کنند و یا آن را تغییر می‌دهند. این درک از فرهنگ

برای پژوهشگر حاصل نمی‌شود مگر آن که خودش چون عاملان بومی آن فرهنگ، آن فرهنگ را تجربه کند، هرچند رسیدن به نگاهی که دقیقاً همسان نگاه بومیان باشد، تقریباً ناممکن است، اما نزدیکتر شدن به آن امکان پذیر است؛ و این نزدیکی حاصل نمی‌شود مگر به وسیله روش مشاهده مشارکتی. همچنین در این روش به داده‌های فراوانی دست پیدا می‌کنیم که از طریق اطلاع رسانی، پرسشنامه و مصاحبه به دست نمی‌آیند.

داده‌های به دست آمده از روش مشاهده عبارتند از:

- حضور معتادین در محل
- کمبود فضای آموزشی و تفریحی
- عدم نظارت ساکنین به محل زندگی
- حضور ماشین و موتور سیکلت در کوچه‌های تنگ و باریک
- پرسه زنی نوجوانان و جوانان در ساعات بیکاری در کوچه‌ها
- مسجد به عنوان فضای تجمع
- عدم وجود فضایی بر سالمندان برای گذران اوقات
- اختلاط حرکت سواره و پیاده
- حرکت ساکنین در محل بیشتر به صورت پیاده است و بیشتر ماشین‌های موجود در بافت مربوط به اهالی محل نیست.
- محله از لحاظ جرم و جنایت در وضعیت مطلوبی نیست گرچه نسبت به سال‌های قبل وضعیت بسیار بهتری دارد و دلیل آن هم ایجاد کاربری‌هایی است که باعث حضور مردم در سطح محله می‌شود و نیز بازسازی قسمت‌هایی از بافت که توسط میراث فرهنگی انجام شده است.
- گردشگران در ایامی از سال در سطح محله دیده می‌شوند که در بین آن‌ها توریست خارجی هم وجود دارد.
- در ساعات تاریکی شب و نیز در بعد از ظهر امنیت محله بسیار پایین می‌آید.
- فضای سبز در محله بسیار کم است و بیشتر محدود به حیاط خانه‌ها می‌شود.

روش مصاحبه

نتایج گوناگون حاصل از روش مشاهده تاثیر به سزایی بر شناخت محله مورد نظر می‌گذارد. برای اطمینان از صحت نتایج به دست آمده از این روش، مصاحبه‌ای با تعدادی از ساکنین محله صورت گرفت. این ساکنین از اقصای مختلف و سنین متفاوت بودند. تعدادی از آن‌ها از ساکنین قدیمی بافت بودند که اکنون نیز در محله زندگی می‌کردند و یا محل زندگی آن‌ها در حال حاضر در محله نبود. تعدادی از ساکنین جدید محله بودند همچنین از کسبه و مسئولین هتل و موزه موجود در محله نیز مصاحبه عمل آمد.

هدف از مصاحبه پی بردن به نیازها و خواسته‌های مردم محل بود. همچنین سنجش میزان رضایت و حس تعلق ساکنین به محله خود بود. سوالات مطرح شده عبارتند از:

- از زندگی در این محله رضایت دارید؟
- برای خرید روزانه به کجا می‌روید؟

- چه کمبودهایی در محله وجود دارد؟
- ساعات بیکاری خود را در محله چگونه می‌گذارید؟
- آیا دوست دارید همواره در این محله زندگی کنید؟

طی مصاحبه انجام گرفته، بیشتر نارضایتی ساکنین از کمبود خدمات تجاری و آموزشی و همچنین فضای سبز و مکان تفریح بود. ساکنین قدیمی محله احساس تعلق زیادی به محله داشتند و از فرسودگی محل متأسف بودند. حضور افغانه باعث نارضایتی ساکنین ایرانی بود. حضور ماشین در محله و نبود جای پارک باعث سلب آسایش ساکنین شده است. جوانان از کمبود فضاهای تفریحی گله داشتند. همچنین تعدادی از ساکنین تصویر زیبای گذشته را ترسیم می‌کردند و در آرزوی بازگشت نشاط و سرزندگی به محله بودند. یکی از کسبه به وجود باغ روبروی مسجد مشیر و جوی آبی که تا آب انبار در کوچه روبروی مسجد ادامه داشت اشاره کرد. ساکنین محل در صورت دادن خدمات به محل و رفع کمبودها تمایل به ماندن در محل را داشتند. حتی تعدادی از ساکنین قبلی در صورت محقق شدن موارد گفته شده حاضر به بازگشت به محل بودند. از نظر ساکنین نوسازی تعدادی از خانه‌ها و معابر عمومی تاثیر زیادی در بهبود وضعیت محله داشته است.

بررسی نکات موثر بر زنده سازی مرکز محله

- همان طور که ذکر گردید، محله مورد مطالعه به عنوان یک بافت تاریخی، محله‌ای است با هویت غالب مسکونی، که به دلیل بناهای ارزشمند و تاریخی موجود، در مقیاس فرامحله‌ای برای جذب گردشگر عملکرد دارد.
- نقاط قوت موجود در کاربری‌ها و وجود بناهای ارزشمند تاریخی و مذهبی است که می‌تواند در جهت احیای بافت محله تغییر کاربری یابند و یا در چرخه استفاده مجدد قرار گیرند.
- مشکل امنیت با تعابیر مختلف از سوی ساکنین به عنوان یکی از مشکلات اساسی عنوان شده است. مشکل امنیت بیشتر در ارتباط با فضاها و مکان‌های ناامن اجتماعی می‌باشد. عمده ترین مشکل نا امنی مربوط به وجود معتادین در کوچه‌های خلوت و در ساعت‌هایی از شبانه روز است که تردد افراد محل در این زمان‌ها کم می‌شود.
- وجود مهاجرین و به خصوص مهاجرین افغانی باعث شده ساکنین تعلق خاطر به محله نداشته باشند و نیز تصویر ذهنی نامناسبی از این محله در ذهن مردم شهر نقش بگیرد.
- مهمترین مکان تجمع اهالی در مراسم سوگواری و یا در جشن‌ها، در مسجد مشیر است. کمبود فضای تعاملات جمعی در بافت به خوبی مشهود است.
- مهمترین نیاز جمعی ساکنین به ترتیب اولویت پارک، فضاهای آموزشی، کاربری‌های تجاری روزانه، فضای درمانی عنوان گردیده است
- حضور ماشین در کوچه‌ها و فضاهای خالی محله و عبور و مرور از کوچه‌های تنگ سبب سلب آسایش ساکنین شده و چهره بافت را به هم ریخته است.
- اعتقاد مذهبی ساکنین بسیار بالا می‌باشد و بناهای مذهبی پر تعداد در بافت می‌تواند کانون‌هایی برای رشد فرهنگی محله باشند.
- وجود حرم شاهچراغ در همسایگی بافت، زائرین و گردشگران را به داخل بافت می‌آورد.

- اکثر بناهای موجود قدیمی اما سرپا هستند و در آینده نیاز به نوسازی دارند.
- پایانه اتوبوس رانی در مجاورت بافت دسترسی سواره را تامین می‌کند.

جمع بندی و نتیجه گیری

با شناخت بدست آمده از نمونه موردی و مطالعه ادبیات موضوع و با توجه به چهارچوب مفهومی حاصل از متن، راه بردهای مرکز محله به منظور تبدیل به یک عرصه تعاملات اجتماعی، اصلی ترین هدف در این تحقیق بازگرداندن این مجموعه به چرخه زندگی شهری است. زنده ماندن بافت در گرو فعالیت و مشارکت آن در زندگی جاری در شهر است و این جز با ایجاد و احیا عرصه‌های مناسب که امکان تعامل و فعالیت را فراهم آورند، ممکن نمی‌باشد. در واقع، یافتن راه حلی برای پاسخ گویی به بازسازی و نوسازی بافت مسکونی از مهمترین عوامل طراحی بافت قدیم به شمار می‌آید، باید توجه داشت که این راه حل ضمن پاسخگویی به مسائل عملکردی توان حفظ ارزش فضایی و تاریخی بافت قدیمی را داشته باشد و با ایجاد فضاهای جمعی و حفظ عناصر هویت بخش موجود و ایجاد حس تعلق مکانی، ارزش مکانی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی محله را ارتقا دهد، و موجب کاهش رفتارهای نامطلوب چون بی هویتی، فرد گرایی، انزوا طلبی، اجتماع گریزی شود.

منابع

- اسداللهی، شیوا (۱۳۸۰): "شهرگرایی نوین در عمل"؛ نشریه علمی پژوهشی صفا؛ شماره ۳۱؛ دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی؛ صفحه ۳۸-۱۸
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۷): "زبان الگو"، ترجمه رضا کربلایی نوری؛ تهران؛ مرکز مطالعات تحقیقات معماری و شهرسازی؛ چاپ اول
- بحرینی، حسین (۱۳۹۱) فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه شیراز، چاپ هشتم
- تیزدل، استیون (۱۳۸۸)؛ احیای محله‌های تاریخی شهرها؛ ترجمه سمانه ساریخانی؛ انتشارات نوید شیراز؛ چاپ اول
- حبیبی، محسن، مسایلی، صدیقه (۱۳۸۷)، سرانه کاربری‌های شهری، تهران، انتشارات سازمان ملی زمین و مسکن.
- حکمت نیا، حسن و میر نجف، موسوی (۱۳۸۵) کاربرد مدل در جغرافیا با تاکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه ای، انتشارات علم نوین، یزد
- سلطان زاده (۱۳۶۸) فضاهای شهری در بافتهای تاریخی ایران چاپ دوم با همکاری شهرداری تهران
- شیعه، اسماعیل (۱۳۸۰)؛ با شهر و منطقه در ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، چاپ دوم
- عامری، عطیه (۱۳۸۹)؛ طراحی مرکز محله در محله دولاب تهران، پایان نامه؛ دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی
- عندلیب، علیرضا (۱۳۸۹)؛ اصول نوسازی شهری: رویکردی نو به بافت‌های فرسوده، انتشارات اذرخش؛ تهران؛ چاپ اول
- غروی الخوانساری، مریم (۱۳۸۵) نگاهی به انگاره محله و پیشنهاد یک راهکار. دو فصلنامه صفا، سال پانزدهم، شماره ۴۳.
- فراهانی، زهره (۱۳۸۹)؛ مرکز محله سازمان‌دهنده بازه‌های اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
- قنواتی، عزت الله (۱۳۹۰)؛ "بازشناسی محله، توانمند کردن آن با عصر جدید"؛ مجله شهرداریها؛ شماره ۱۰۲؛ سال ۱۱؛ صفحه

مدنی پور، علی؛ نوریان، فرشاد (۱۳۸۷)؛ فضاهای عمومی و خصوصی شهر؛ شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران، چاپ اول

مرتضوی، شهرناز (۱۳۷۶)؛ روانشناسی محیط، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی

مهندسین مشاور پردازاز (۱۳۸۳)؛ طرح بازنگری در طرح تفصیلی منطقه تاریخی - فرهنگی شیر

نوذری، شعله و همکاران (۱۳۸۳)؛ مبانی طراحی فضاهای باز محله‌های مسکونی متناسب با شرایط سالمندان؛ مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن؛ صفحه ۳-۸

Mom ford, Lewis, 1954, "the neighborhood and the neighborhood unit, town planning review, Vol 24,